

سرچشمه‌های اندیشه بهمن یا صادر اول شیخ اشراق

نادیا مفتونی^۱، مرتضی درودی جوان^۲

چکیده

آراء شیخ اشراق را در اندیشه‌های ایران باستان میتوان جست. یکی از این آراء، اعتقاد به بهمن یا صادر اول است. نوشتار حاضر با روش تحلیل محتوا، در پی احصاء و تحلیل میزان آثار مستقیم و غیرمستقیم بهمن که در باور مزدیسنان برترین فروزه اهورامزدا بشمار میرود، در آثار شیخ اشراق است. پس از استقراء ویژگیهای عمومی و اختصاصی بهمن با رجوع به منابع مزدایی همچون *اوستا* و *بندهش*، به جستجوی این ویژگیها در آثار سهروردی پرداختیم. با کاوش در تمامی آثار شیخ اشراق، همه مواردی را که ضمن آنها بصراحت از امشاسپند بهمن یاد شده و نیز تمامی مواردی که ویژگیهای عمومی و اختصاصی آن را در بردارند، استخراج و شمارش کردیم و پس از محاسبه میزان فراوانی و بسامد ویژگیها و نشانه‌های موجود، به تحلیل محتوایی و مفهومی آنها پرداختیم. در این پژوهش، نتایجی همچون مشخص شدن تعداد اشارات مستقیم به امشاسپند بهمن، ذکر بهمن بعنوان صادر اول یا عقل اول و سرسلسله عقول طولی برخلاف سایر امشاسپندان با نظر به کارکرد رب‌النوعی آنها، اجتماع قویترین نشانه‌های حضور بهمن در متون فارسی و در ضمن یادکرد از قهرمانان اساطیری ایرانی و موارد دیگر بدست آمد. در این میان، بیشترین بسامد در بین

۷

۱. دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ nadia.maftouni@ut.ac.ir

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، مرکز شهید

باهنر تهران؛ md.javan@ut.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۷/۱۰/۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۷



خصوصیات عمومی و اختصاصی بهمن یا صادر اول به ویژگی پیوند با سایر امشاسپندان مربوط است؛ زیرا همه نشانه‌های امشاسپند بهمن از این خصوصیت برخوردارند. نتیجه این خصوصیت، همراهی همه نشانه‌های امشاسپند با یکدیگر و نیز سامان‌مندی در بین آنهاست که این یافته خود دلیلی بر تأیید مسئله محوری این تحقیق مبنی بر توجه ویژه به معانی و کارکردهای امشاسپندان بنظر میرسد.

کلیدواژه‌ها: سهروردی، امشاسپندان، بهمن، عقل اول، صادر اول

* * *

مقدمه

بهره‌گیری و تأثیرپذیری شیخ اشراق از اندیشه‌های فلسفی ایران باستان، امری بسیار آشکار و مورد تأیید عموم صاحب‌نظران است. هانری کربن سه ویژگی اساسی را برای نظریه اشراقی برمیشمارد که عبارتند از: ۱) برقرار کردن پیوند با حکمت الهی ایران باستان؛ ۲) تلفیق شناخت نظری و عرفانی در شاهراه حکمت که لازمه احیای اندیشه الهی نور است؛ ۳) دستیابی به شناختی که فقط شناخت نظری نبوده، بلکه اشراق بشمار میرود.^(۱)

در هر سه ویژگی ذکر شده بهره‌گیری این فلسفه از مبانی و مفاد حکمت خسروانی یا همان فلسفه نور و ظلمت در تعبیر هانری کربن، مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است. تمایل به تفکر باستانی ایرانیان و اخذ حکمت از آن سامانه امری است که در جهت تداوم رشد و پیشرفت حکمت اسلامی و در مسیر مثبت سیر تطور آن شایان توجه و قابل تحلیل است.^(۲) آنچه مؤید این امر محسوب میشود، تصریحاتی است که در جای‌جای آثار سهروردی بچشم میخورد و نه به زبان رمز و اشاره، بلکه چنان آشکار است که حتی از نظر هیچ خواننده غیرمتخصصی نیز پنهان نمیماند. اشارات صریح به نام فرزندگان ایران باستان مانند زرتشت، جاماسب و فرشاوشر، ذکر نام پادشاهان اساطیری ایران باستان همچون کیومرث، کیخسرو، فریدون و ...^(۳) و بالأخره ذکر برخی از اصطلاحات باور مزدیسنا از جمله ذکر نام